



سیدهای سیدافقهی، کارشناس مسائل بین الملل در گفت وگو با «فرهیختگان» با اشاره به تحولات شمال آفریقا:

سران انقلاب‌های عربی در پشت پرده هستند



سید مهدی طالبی
روزنامه نگار

هشت سال پس از بهار عربی موج دیگری در شمال آفریقا وزیدن گرفته است. تجربه تحولات قبلی -که با دخالت قدرت‌های غربی و دنباله‌روهای منطقه‌ای، مسیر انقلاب‌ها را تغییر داد- می گوید گمانه‌زنی درباره سرنوشت انقلاب مردم در الجزایر، سودان یا مراکش خیلی زود است. تا اینجا کار حداقل در سودان انقلاب مردم با روی کار آمدن نظامیان منحرف شد. کمک سه میلیارد دلاری عربستان و امارات نیز به تثبیت کودتاگران کمک کرده است. هنوز کسی نمی‌داند رهبران این انقلاب‌ها چه کسانی هستند و چه مختصاتی را برای آینده کشورهایشان ترسیم کرده‌اند. در این زمینه با سیدهای سیدافقهی، کارشناس مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است رهبران قیام هنوز در پشت پرده هستند و عمده شعارهای انقلاب، شعارهای مدنی است. او می‌گوید جریان‌های اسلام‌گرا نیز سعی می‌کنند شعارهای مدنی همچون مردم‌سالاری و آزادی طرح کنند. این کارشناس مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا از نقش امارات و عربستان با پشتیبانی و چراغ سبز آمریکا و اتحادیه اروپا می‌گوید و معتقد است آمریکا پس از شکست طرحش در غرب آسیا، به دنبال تأمین منافعی در شمال آفریقا است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

شمال آفریقا در چند ماه گذشته شاهد اتفاقات و التهابات جدیدی بوده است، در الجزایر عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس‌جمهور این کشور بر اثر اعتراضات مردم استعفا داده و از سوی دیگر عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان نیز با کودتا توسط نظامیان از کار برکنار شده است. این تحولات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این اتفاقات و تحولات در چند کشور شمال آفریقا جدا از یکدیگر نیستند و با هم مرتبطند. این تحولات از دو منظر قابل بررسی است؛ اول آنکه آمریکا قصد داشت یک سری طرح و برنامه‌هایی را در غرب آسیا پیاده کند که کرد، اما با شکست مواجه شد. این مساله را ترامپ به‌صراحت اعلام کرد که ما در غرب آسیا هفت تریلیون دلار هزینه کرده‌ایم ولی شکست خورده‌ایم. البته آمریکا برنامه‌هایش برای گسترش نفوذ و تسلط بر ثروت‌های خدادادی شمال آفریقا و غرب آسیا را ادامه خواهد داد. این نیست که بگوییم اگر در یکی دو جا شکست خورده است از این مناطق دست می‌کشد و برنامه‌هایش را تعطیل می‌کند، این را در نظر داشته باشید. مساله دوم حاکمان این کشورها هستند که عملکردشان موفقیت‌آمیز نبوده

است چه در سودان، چه در الجزایر، چه در لیبی. مدت زمان زیادی است که این حکام قدرت را در دست دارند. به‌مرور زمان سیستم اداری و مالی این کشورها دچار فسادهای وحشتناکی شده‌اند و ساختار قبیلگی و هزارفامیلی بر آنها حاکم است. این بازتاب دارد و بازتاب منفی‌اش در مسائل سیاسی، اجتماعی و معیشت مردم تأثیر گذار است. حالا ما دو معادله در شمال آفریقا مواجهیم؛ در معادله اول آمریکا می‌خواهد کمی جابه‌جایی در طرح‌هایش انجام دهد و برخی طرح‌هایش را از غرب آسیا که در آن شکست خورده است به شمال آفریقا منتقل کند، هم‌زمان مردم شمال آفریقا هم با رژیم‌های فاسد این منطقه درگیر شده‌اند. عمر البشیر از ابتدا با کودتا در سودان روی کار آمد و حکومت منتخب صادق المهدی را سرنگون و حدوداً پیش از ۳۰ سال بر سودان حکومت کرد. البشیر در دوران زمامداری‌اش بخشی از سودان را به صهیونیست‌ها و مسیحیان جنوب این کشور واگذار کرد. ناحیه جنوب سودان منطقه‌ای سرشار از نفت، طلا، اورانیوم، الماس و منابع آبی است. جنگ‌های خانگی در منطقه دارفور و قتل‌عام مردم مسلمان آنجا در غرب سودان، تغییر رویکرد در سیاست خارجی، قطع رابطه با ایران، غلتیدن در محور آمریکا و عربستان سعودی و ارتجاع عرب و شرکت در قتل‌عام مردم مظلوم یمن. سربازان عمر البشیر که در کشتار مردم مسلمان دارفور نقش دارند و نیروهای ویژه‌اش هنوز در یم‌ن در حال قتل‌عام مردم هستند. مردم در مقابل این مفاسد قیام کرده‌اند که قیامی خودجوش است. حالا کم‌کم شخصیت‌ها و اتحادیه‌های معترض در حال نشان دادن خودشان هستند، اما عمده تحركات هم در الجزایر و هم در سودان در حال حاضر تقریباً شبیه هستند. شکل اعتراضات و شیوه و سازکارهایی که مردم سودان و الجزایر در پیش گرفته‌اند شبیه هم دیگر است؛ بنابراین آمریکایی‌ها می‌خواهد طرح خودش را پیاده کند. آمریکا آمده تا نظامیان را تقویت کند. عربستان و امارات رانیز موظف کرده از این طرح و تقویت نظامیان حمایت کنند. مردم کشورهای شمال آفریقا هم این مساله را متوجه شده‌اند و دارند مقاومت می‌کنند. برای کنترل خشم مردم سودان هیأت حاکمه این کشور آمد یک حرکت نمایشی خیلی طنزگونه را انجام داد. وزیر دفاع عمر البشیر آمد گفت من وی را دستگیر و محاکمه می‌کنم... تو خودت وزیر دفاع البشیر هستی مگر می‌توانی او را بگیری و محاکمه‌اش کنی؟!

در ادامه اعتراضات بن عوض را برداشتند و آقای دیگری را گذاشتند که او نیز از همین باند و گروه آقای البشیر است. پس هدف از این جابه‌جایی مهره‌های نظامی، حفظ تسلط و نفوذ آمریکا، عربستان و امارات در این منطقه است. در سودان مردم هنوز به اعتراضات خودشان ادامه می‌دهند که بگویند ما حکومت نظامیان را قبول

نمی‌کنیم. در ابتدا اعلام کردند نظامیان دوسال حکومت را در سودان در دست خواهند داشت و پس از این دوسال قول داده‌اند که حکومت را با یک شیب ملایم به غیرنظامیان واگذار کنند. مردم فریب این حرکت نظامیان را نخوردند و با حکومت دوساله نظامیان مخالفت کردند و در حال مقاومت هستند.

سوالی در اینجا پیش می‌آید. آیا آمریکایی‌ها که در غرب آسیا شکست خورده‌اند، خاکریزهایشان را به شمال آفریقا منتقل کرده‌اند تا دوباره عملیات تازه‌ای شکل دهند و به صورت فعال طرح‌هایشان را دنبال کنند یا در شمال آفریقا نیز مانند غرب آسیا در حال دفاع هستند؟

آمریکایی‌ها که در غرب آسیا شکست خورده‌اند در حال انجام یک خانه تکانی هستند ولی فعلاً تصمیم‌نگرفته‌اند صد درصد از غرب آسیا بروند. فعلاً طرح‌هایشان را جابه‌جا کرده‌اند، یعنی هرچه طرح در غرب آسیا اجرا کرده‌اند با شکست مواجه شده است حالا رفته‌اند می‌خواهند روی منطقه شمال آفریقا کار کنند. منطقه شمال آفریقا با غرب آسیا از جهات گوناگون فرهنگی، مردم، تاریخ، منطقه جغرافیایی و... متفاوت است. آمریکا به دنبال حفظ منافع کنونی‌اش و جبران شکست در غرب آسیاست. آمریکا می‌خواست بر سوریه، عراق و یمن مسلط شود زیرا این سه کشور سرشار از نفت، گاز و موقعیت‌های اقتصادی بودند و در هر سه کشور هم طبق اعتراف ترامپ طرح‌هایشان شکست خورده است. در یم‌ن تاحدود زیادی نتایج مشخص شده ولی در عراق و سوریه قطعاً طرح آمریکا شکست خورده است. گرچه ما نمی‌توانیم نسبت به حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق چشم‌پوشی کنیم ولی طرح‌شان تا کام ماند. آنها در نظر داشتند با داعش هم بر سوریه و هم بر عراق مسلط شوند و ایران را محاصره و منابع منطقه را

غارت کنند. این شکست باعث شد آنها به دنبال اجرای طرح‌هایشان در منطقه‌ای دیگر بروند. منابع نفتی لیبی از مرغوب‌ترین نوع نفت جهان است. این کشور موقعیت استراتژیکی در کرانه‌های جنوبی دریای مدیترانه دارد و هرکسی در آنجا مستقر شود بر بخشی از مدیترانه تسلط شده است و می‌تواند پایگاه‌های دریایی و هوایی در این کشور احداث کند. در سودان که منطقه بسیار مهمی است منابع سرشاری از نفت، گاز، طلا و اورانیوم وجود دارد و این کشور ذخایر و معادن زیادی دارد اما دولت سودان برنامه‌ای برای بهره‌برداری از آنها ندارد و فساد مالی و اداری موجود در این کشور نیز مانع از این شده است که مردم سودان بتوانند از این ثروت‌های خدادادی بهره‌مند شوند. آمریکا دنبال این است که منافعی در مصر، تونس و مغرب را حفظ کند و [در کنار آن] با کسب نفوذ در کشورهای دیگر در شمال آفریقا، خسارت‌هایی را که در غرب آسیا متحمل شده، جبران کند. البته آمریکا در شمال آفریقا رقبایی جدی [مثل چین و اروپا] دارد نمی‌تواند به‌سادگی طرح‌های خودش را در آنجا پیاده کند.

یاریگری‌ها در شمال آفریقا به چه صورتی است؟ چه گروه‌هایی در این اعتراضات حضور دارند؟ این یاریگری‌ها در عرصه بین‌المللی به چه شکلی است؟

یاریگری آمریکایی‌ها در عرصه داخلی این کشورها یک یاریگری سنتی و دیرینه است. آمریکا بیشترین ظرفیت‌های نفوذی خودش را در سازمان‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی ایجاد می‌کند. مساله دوم در ارتباط با یاریگری خارجی آمریکا در شمال آفریقا این است که آمریکا در اینجا یک سری یار-رقیب دارد که کشورهای اروپایی هستند. یار-رقیب یعنی درست است من با شما همسو هستم ولی این همسویی تا زمانی است که منافع‌مان با یکدیگر به تناقض، تضاد و درگیری نکشد. هم اکنون

آمریکا و اتحادیه اروپا در یک جنگ تمام‌عیار تجاری، بازرگانی و گمرکی با یکدیگر قرار دارند. درخصوص همین مساله لیبی که هنوز درگیری‌هایین ارتش ملی به‌فرماندهی خلیفه حفتر [مورد حمایت مصر، فرانسه، عربستان و امارات] و نیروهای دولت رسمی فایز [سراج مورد حمایت قطر و ترکیه] ادامه دارد. در این درگیری‌ها هر طرفی یک یار-رقیب دارد و یک یار. به عربستان و امارات نمی‌شود گفت یار-رقیب، آنها یار یا شاید نوکرند، آمریکا به اینها دستور می‌دهد و [به دنبال آن] امارات از انتهای خلیج فارس، در شمال آفریقا دخالت می‌کند. واقعا امارات این قدرت را دارد؟ عربستان سعودی که الان خودش در یم‌ن گیر کرده است این توان را دارد که در شمال آفریقا با این وضوح دخالت کند؟ این دخالت‌ها با حمایت آمریکا و چراغ سبز اتحادیه اروپاست. بنابراین یاریگری آمریکا یک یاریگری سنتی است. [علاوه‌بر این آمریکا] یک یار پنهان نیز دارد که آن نفوذ، موج‌سواری و دور زدن انقلاب‌های مردمی است. [این] همان پدیده‌ای است که در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان بیداری اسلامی از تونس شروع شد و سپس به لیبی، مصر و یم‌ن رفت اما متأسفانه مردم به اهدافی که می‌خواستند نرسیدند و از شعارهایشان که عمدتاً اسلامی بود، نتیجه‌ای نگرفتند. امروز در سودان و در الجزایر چند میلیون آدم به سطح خیابان‌ها می‌آیند ولی یک نفر شعارهای اسلامی نمی‌دهد، [چرا؟] زیرا دیدند ضربه خورده‌اند و آمریکا آنها را دور زده و وجهه اسلام‌گرایان را خراب کرده است. اما امروز مردم به دنبال تحقق عدالت و دموکراسی حقیقی و بحث شفافیت و کوتاه کردن دست ژنرال‌ها هستند. آمریکا نیز می‌خواهد با نفوذ دوباره در این اعتراضات و ایجاد ان‌جی‌او‌های مصنوعی و جریان‌سازی در فضای مجازی خواست‌های مردم را دور بزنند. این ابزارها، یساراً پنهان آمریکا را در داخل این کشورهای شمال آفریقا هستند.

گفتید مردم کشورهای شمال آفریقا از گروه‌های اسلام‌گرا رویگردان شدند. در حال حاضر چه گروه‌هایی با چه گرایش‌هایی به میدان آمده‌اند آیا نقش گروه‌های اسلامی به‌صفر رسیده است یا آنها نیز در سطوحی حضور دارند.

[گروه‌های اسلام‌گرا] حضور دارند ولی ادبیات‌شان را عوض کرده‌اند زیرا شعارهایشان در موج اول اعتراضات ۲۰۱۱ به جایی نرسید. هم اکنون دولت‌های سودان و الجزایر شعار اسلامی می‌دهند و می‌خواهند مردم را فریب دهند درحالی‌که خود مردم در سطح خیابان‌های الجزایر، سودان و تونس دیگر شعار اسلامی نمی‌دهند. مردم در حال حاضر شعار دموکراسی، آزادی خواهی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و اندیشه می‌دهند و بیشتر جامعه مدنی را مطرح می‌کنند. جریانات اسلام‌گرا بین مردم هستند ولی

فهمیده‌اند دیگر آن شعارهای اسلامی را مردم پیگیری نخواهند کرد. گروه‌های اسلام‌گرا نوع شعارهایشان را عوض کرده‌اند و در میان مردم حضور دارند. در تونس راشد الغنوشی و جریان اخوان المسلمین پس از فرار دیکتاتور بن‌علی بر کشور مسلط شد و نیمی از پارلمان و نخست‌وزیری دست‌شان بود و رئیس‌جمهور هم پیمان با خودشان منصف المروزی را آورد ولی شکست خوردند و عقب‌نشینی کردند. در مصر نیز همنطور حدود یک‌سال اخوان المسلمین مجلس را قبضه و مطبوعات را خفه کرد، ولی بعد از آن علیه‌شان کودتا شد و آنها هم شکست خوردند. بنابراین الان نوع و ادبیات عوض شده است اما اسلام‌گراها همچنان در صحنه هستند.

اخوان هم حضور دارد؟

بله، حضور دارد ولی نوع بیان و کلیدواژه‌هایشان را عوض کرده‌اند. البته در سودان اخوان متهم است، زیرا عمر البشیر در ابتدا با حمایت اخوانی‌ها روی کار آمد و در لیبی نیز بسیاری از گروه‌هایی که اسلحه دارند و با نیروهای خلیفه حفتر می‌جنگند اخوانی هستند. در تونس راشد الغنوشی اخوانی است اما دیگر شعارهای اسلامی نمی‌دهد. او علناً آمد و گفت ما دین را در سیاست دخالت نمی‌دهیم، ما به‌عنوان حرکت جبهه النهضة یک حزب اسلام‌گرا هستیم ولی مشارکت‌مان در حیات سیاسی ایدئولوژیک نیست. ما بر اساس قواعد دموکراتیک در دولت و مجلس مشارکت سیاسی خواهیم داشت.

اعتراضات شمال آفریقا پس بیشتر در دست روشنفکران است؟

نه، مردم عوام هم هستند. تظاهرات خودجوش است.

یعنی اعتراضات بی‌سر است؟

در حال حاضر خودجوش است و کم‌کم سربازین خودشان را نشان خواهند داد، زیرا

اگر زود اعلام کنند سران انقلاب را می‌زنند. به همین دلیل [سران انقلاب] در پشت‌پرده هستند. برای مثال در الجزایر گروه‌های صنفی و اتحادیه‌های صنفی پیشرو هستند. اتحادیه‌های صنفی یک عنوان عام است. به‌طور ملموس چه اصنافی هستند؟

حقوقدانان در الجزایر مرتب بیانیه می‌دهند و مردم را به تظاهرات دعوت می‌کنند. باید منتظر ماند و دید اینها چه کسانی هستند. اصناف مختلفی‌اند، ولی جریانی دیگر به‌عنوان یک جریان سیاسی وجود ندارد و بیشتر می‌خواهند و نمود کنند مردم در این قیام هستند. می‌گویند ما جزء لایه‌های مردم هستیم؛ عده‌ای وکیل دادگستری، پزشک، خبرنگار بدون مرز و اصناف بازار در این قیام حضور دارند. اینها در قالب‌های حزبی، ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی کلاسیک تقسیم‌بندی نمی‌شوند.

سعی دارند چه‌رای غیرمذهبی را از خود نشان بدهند؟

اشتباه نشود اینها ضدمذهبی نیستند. شعارهایی که سال ۲۰۱۱ پیرامون اسلام و حکومت اسلامی سر داده شد، دیگر مطرح نشده؛ نه در سودان شنیده شده است و نه در الجزایر. جاب‌الله که خودش رهبر یک جنبش اسلامی است، هم اکنون عضو شورای رهبری قیام‌های مردمی است اما هیچ‌گاه شعارهای اسلامی نداده. طرفدارش در خیابان شعارهای اسلامی نمی‌دهند بلکه شعارهای آزادی خواهی، عدالت و مبارزه با فساد را مطرح می‌کند. چنین شعارهایی برای مردم عامی گیراتر است. مردم نمی‌گویند اسلام‌گراها بد هستند، ولی می‌گویند آنها آمدند ولی نتوانستند کاری انجام دهند. حالا مردم آمده‌اند خودشان مسیر حکومت‌شان را مشخص کنند و هرکسی و هر گروهی هم که می‌خواهد می‌تواند بیاید و خودش را عرضه کند؛ در انتخابات شرکت کند و وارد حکومت شود.

جایگزین گروه‌های اسلامی در این اعتراضات چه گروه‌هایی هستند؟

گروه‌های اسلامی در صحنه‌اند و میدان را خالی نگردانده ولی رویکردشان «مدنی» است. منظورم از رویکرد مدنی، رویکرد «لیبرال» نیست. رویکرد لیبرال یعنی جدایی دین از سیاست و جدایی ارزش‌ها از دنیای مردم. در آفریقا این [گرایش‌ها] نیست. خیزش و شعارها هم اکنون عمومی، آزادی‌خواهانه و عدالت‌خواهانه است. اسلام‌گرایان نیز می‌توانند همین شعارها را مطرح کنند، وقتی گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند از مردم رای بگیرند و در حاکمیت مشارکت کنند، دوباره برمی‌گردند شعارهای اسلامی‌شان را تکرار یا همان شعارهای اسلامی را در قالب نوین مطرح می‌کنند، برای جواب این سوالات باید منتظر مراحل بعدی اعتراضات باشیم.



تظاهرات در مراکش

هزاران شهروند مراکشی در اعتراض به بازداشت اعضای جنبش «الریف» در خیابان‌های پایتخت این کشور تظاهرات کردند. به گزارش «ایسنا»، دادگاه تجدیدنظر کابلانکا اخیراً ناصر الزرقافی، بنیانگذار جنبش الریف و چند تن دیگر از اعضای این جنبش را به اتهام اتلاف اموال عمومی و تهدید وحدت ملی مراکش به ۲۰ سال حبس محکوم کرد. شهروندان مراکشی در این راهپیمایی با در دست داشتن پرچم‌های ویژه قوم آمازیغ و تصاویر فعالان بازداشت‌شده خواستار آزادی افراد بازداشت‌شده شدند. در این تظاهرات، خانواده‌های اعضای جنبش الریف، سازمان‌های حقوق بشری، احزاب چپ‌گرا و جنبش عدالت و خیریه اسلامی حضور داشتند. اعتراضات معروف به «جنبش الریف» در شهر الحسیمیه و اطراف آن در طول چندین ماه بین پاییز ۲۰۱۶ تا تابستان ۲۰۱۷ در اعتراض به کشته‌شدن یک ماهگیر رخ داد.



یک کم‌دین رئیس‌جمهور اوکراین شد

نتایج اولیه دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین نشان می‌دهد که «ولودیمیر زلنسکی»، کم‌دین معروف رئیس‌جمهور آینده این کشور خواهد شد. بر اساس نتایج اولیه زلنسکی ۷۲/۴۸ درصد و پترو پوروشنکو رئیس‌جمهور فعلی اوکراین تنها ۲۵/۲۰ درصد آرا را کسب کرده است. زلنسکی در یک کنفرانس خبری پیروزی خود را اعلام کرد. پوروشنکو نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران در مقر انتخاباتی خودش شکست را پذیرفت و اظهار کرد: «رئیس‌جمهور جدید اپوزیسیون قدرتمندی خواهد داشت. این انتخابات در منطقه دونباس که نزدیک به پنج میلیون واجد شرایط دارد و جزیره کریمه که توسط روسیه اشغال شده است، برگزار نشد. برنده این انتخابات ۳۱ می سوگند یاد کرده و رسماً رئیس‌جمهور اوکراین خواهد شد. در مرحله نخست انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین، زلنسکی ۳۰/۲۴ درصد آرا و پوروشنکو ۱۹/۵۱ درصد آرا را کسب کردند.



تاکید طالبان بر خروج نیروهای غربی از افغانستان

سخنگوی سیاسی طالبان افغانستان اعلام کرد دور بعدی مذاکرات میان طالبان و آمریکا قرار است بر چارچوب زمانی برای خارج شدن همه نیروهای خارجی از افغانستان متمرکز باشد. به گزارش «ایسنا»، سهیل شاهین در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه گفت: «مذاکرات قبلی این گروه شبه‌نظامی با واشنگتن منجر به این شد که دوطرف بر خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان توافق کنند، آنها به دنبال تعیین جزئیات مربوط به این مساله هستند. «او در ادامه اظهار کرد: «طالبان نیز در ازای این خروج متعهد شده نگذازد گروه‌های تروریستی از افغانستان به‌عنوان یک پناهگاه امن یا برای اجرای حملات علیه کشورهای دیگر استفاده کنند.» شاهین افزود: «با این حال هنوز یک سری جزئیات باقی‌مانده که باید روی آنها مذاکره شود و بحث درباره آنها قرار است در دور بعدی مذاکرات ما صورت بگیرد.»



انکار هولوکاست توسط معاون صدر اعظم اتریش

نشریه «دی‌پرسه» اتریش از اقدام «هاینس کریستیان اشتراخه» در «به‌اشتراک گذاشتن یک تارنمای منکر هولوکاست در فیس‌بوک خبر داد. به گزارش «ایرنا»، معاون صدر اعظم اتریش، مطلب تارنمای Zaronews را به اشتراک گذاشت. در این تارنما که متعلق به گروه‌های راست‌گراست، از هولوکاست به‌عنوان «دروغی بزرگ» و از هیتلر به‌عنوان نجات‌دهنده جهان نام برده شده است. معاون صدر اعظم اتریش در مطلبی که در پاسخ به انتقادها از خود درخصوص سیاست‌های ضد‌مهاجران منتشر کرد، نوشت: «اجازه نمی‌دهم مرا ساکت کنند.» هرچند این مطلب به فاصله کوتاهی از حساب فیس‌بوک وی حذف شده، اما انتشار این خبر در رسانه‌ها بار دیگر انتقادها را متوجه این مقام اتریشی کرده است. اشتراخه رهبر حزب «آزادی» است که به‌عنوان یک حزب راست‌افراطی شناخته می‌شود.